

بسم الله الرحمن الرحيم
ملاصدرا و مسئله نفخ روح الهی در قوس نزول
علی کریمیان صیقلانی^۱

چکیده

علم النفس فلسفی صدرایی، آنگاه که مُلهم از آیات و روایات گردیده است، افق‌های متفاوتی را فراروی پژوهشگران حوزه نفس گشوده است. یکی از آن‌ها، رمزگشایی از پنج آیه پیرامون نفخ روح در قوس نزول می‌باشد. هدف این مقاله تحلیل نظرات ملاصدرا در این باره است و تلاش دارد تا این پرسش‌ها را پاسخ دهد که استعمال نفخ روح در این آیات، آیا حقیقی است یا مجازی؟ همچنین وی اضافه روح به خداوند را چه نوع اضافه‌ای می‌داند؟ آیا نفخ روح در قوس نزول، اختصاص به انسان دارد یا غیراختصاصی است و شامل موجودات دیگری نیز می‌شود؟ یافته‌های این نوشتار که به روش تحلیل محتوا و با توجه مستقیم به آثار ملاصدرا تهیه شده، گواه بر آن است که وی استعمال نفخ در این آیات را مجازی و به معنای «إنشاء تعلق تدبیر» بُعد نفسی با بُعد طبیعی انسان کبیر و بلکه تمام موجودات دارای نفوس ناقصه می‌داند. اما اضافه روح به خداوند را حقیقی و از نوع اضافه اشراقی مبتنی بر سیر از وحدت به کثرت سریانی شمرده است و نه از نوع إضافة مقولی. نکته دیگر اینکه وی بر اساس مستندات درون دینی برای انسان، به دو روح و نیز به دو نفخ در قوس نزول قائل شده است.

۱. علی کریمیان صیقلانی: Ali karimiyan seyghalani

دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Associate Professor, Department of Islamic Studies, University of Guilan, Rasht, Iran.

ایمیل دانشگاهی: a.karimiyan110@guilan.ac.ir

ایمیل شخصی: a.karimiyan110@yahoo.com

کد ارکید: 0000-0002-9447-7824

همچنین وی معتقد شده هدف خداوند از نفخ روح، تکمیل سیر استکمالی «تکمیلی» نفوس است نه سیر «تتمیمی» انسان.

واژگان کلیدی

ملاصدرا، قرآن، نفخ روح، قوس نزول، اضافه اشراقی، ارتباط تعلقی.

مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه مطالعات انسان‌شناسی دینی - فلسفی، بررسی مسائل پیرامون آفرینش انسان است و در این بین، مسئله ماهیت و حقیقت «نفخ روح در قوس نزول» از جمله مسائل بسیار مبهم در کلام اندیشمندان مسلمان است. به رغم اینکه آموزه‌های دینی تا حدودی، پرده از آن برداشته و در پنج آیه قرآن کریم^۱ و نیز روایات متعددی، به این مسأله اشاره شده است اما با این همه، باز پرسش‌ها و ابهاماتی در این باره وجود دارد؛ از جمله اینکه: ماهیت نفخ روح چیست؟ آیا نفخ در این آیات در معنای حقیقی خود استعمال شده است یا در معنای مجازی؟ نافخ روح کیست؟ مقصود

۱. ﴿فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید. ﴿الحجر: ۲۹؛ ص: ۷۲.

﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ آنگاه او را درست‌اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد؛ چه اندک سپاس می‌گزارید. ﴿السجدة: ۹.

﴿وَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ و آن [زن را یاد کن] که خود را پاکدامن نگاه داشت، و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم. ﴿الأنبياء: ۹۱.

﴿وَ مَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِلِينَ﴾ و مریم دخت عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. ﴿التحریم: ۱۲.

از روح، کدام است؟ اضافه روح به خداوند در تعبیر قرآنی مانند «روحی»، «روحه» یا «روحنا» چه نوع اضافه‌ای است؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست، مطمع نظر نظریه‌پردازان قرار گرفته است و هر یک بسته به عمق دانش خود و نیز مبانی مورد پذیرش خویش بسته به گرایشات فلسفی یا عرفانی، تلاش کرده‌اند از اصرار موجود در مستندات درون‌دینی پرده بردارند.

اما لازم است پیش از پرداختن به مسائل پیرامون عنوان این نوشتار، این نکته تذکر داده شود که مسأله نفخ روح در قوس نزول، بیش از هر چیز دیگری با مسأله حدوث نفس یا قدم آن و نیز روحانی یا جسمانی بودن آن مرتبط است. بدین بیان که طبق دیدگاه آن دسته اندیشمندان که قائل به جسمانی بودن نفس در قوس نزول هستند، مسأله نفخ روح به گونه‌ای متفاوت با دیدگاه دسته دیگری از اندیشمندان که قائل به روحانی بودن نفس می‌باشند، تفسیر می‌شود. براساس دیدگاه نخست، مسأله نفخ روح، امری در درون حوزه ماده و مربوط به عالم طبیعت (ملک) است و با فرض جسمانی بودن نفس، «نفخ» به معنی حلول و تجافی خواهد بود. اما براساس دیدگاه دوم، اگر نفس را در هنگام پیدایش، موجودی غیرمادی و روحانی دانستیم، بدن و عالم طبیعت نمی‌تواند ظرف و محل برای هبوط نفس باشد و لذا تعبیر «نفخ روح»، تعبیری مجازی و کنایه‌ای خواهد بود.

یکی از این اندیشمندان که تلاش کرده بین منابع وحی، عقل و عرفان همسویی و وحدت معنایی ایجاد کند، صدرا الدین شیرازی ملقب به ملاصدرا است. مسأله چیستی نفخ روح در قوس نزول، از جمله مسائلی است که وی در آثار متعدد خود به آن پرداخته است. لکن با تأمل در آثار قلمی وی که به حکمت متعالیه شهرت یافته است، چنین فهمیده می‌شود که وی در خصوص پاسخ به پرسش‌هایی که در خصوص نفخ روح در قوس نزول ایراد کرده است، ثبات نظر نداشته و با عود از برخی گفته‌های خود، مجبور به طرح نوینی برای تفسیر آیات پیرامون نفخ شده است. وی از سویی بنابر مبنای حرکت جوهری، تلاش کرده است تا نفس را در بدو آفرینش، حادث و «صورت» برای بدن معرفی کند و در نتیجه، آن را در بدو تولد، جوهری جسمانی و حادث بداند که سپس به حرکت جوهری، صورتی مجرد از ماده می‌یابد. طبیعی است که با این پیش‌فرض، نفخ روح که در آیات

بدان اشاره شده، تفسیری مادی یافته و به معنای دمیدن امری مادی در بدن مادی (هلول و تجافی) خواهد بود.

اما با توجه به اینکه ملاصدرا در بسیاری از آثار خود - که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد - از اعتقاد به حدوث جسمانی نفس، عدول کرده و نفس را در بدون تولد، نه تنها مجرد بلکه قدیم دانسته، در نهایت چنین معتقد شده است که نفوس پیش از تولد، به صورت شخصی و با وحدت عددی در عالم ارواح، تحقق داشته‌اند. طبیعی است که با این پیش‌فرض، نفخ روح دارای معنای حقیقی خود نبوده و تفسیری مجازی خواهد یافت.

حاصل آنکه حساسیت فوق‌العاده اندیشه‌ورزان در خصوص شخصیت و جایگاه ویژه ملاصدرا در حکمت و تفسیر، نویسنده این مقاله را بر این داشته است حتی‌المقدور، آثار مکتوب ملاصدرا را بررسی و با روش تحقیق تحلیل محتوایی و به روش مطالعه کتابخانه‌ای به مستندات فراوانی رجوع شود. کثرت مراجعات در این مقاله نه به علت گردآوری و تدوین نظرات وی بلکه برای تمیز متشابهات و محکمت‌گفتار وی در خصوص عنوان این نوشتار است. چه اینکه اعتقاد به «جسمانیة الحدوث» بودن نفس، از مشهورات و متشابهات کلامی وی است و وی در آثار متعددی از این دیدگاه خود عدول کرده است. به این منظور در ادامه، ابتداء به بررسی معنای نفخ روح در قوس نزول و سپس بیان نوع اضافه «روحی» از منظر وی پرداخته می‌شود.

پیشینه

به رغم جستجو در چندین پایگاه‌های اطلاعاتی مانند «پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)» و نیز «پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)» هیچ مقاله یا اثر مستقلی که با متغیرهای عنوان این مقاله تدوین شده باشد، مشاهده نگردید. البته برخی منابع به صورت مختصر در حد چند سطر به نظرات درباره چستی نفخ روح پرداخته‌اند اما هیچیک به طور ویژه به دیدگاه ملاصدرا متمرکز نشده و حتی نامی هم از وی نبرده‌اند. برای نمونه علامه جعفری فقط در سه صفحه

و البته به طور کلی، برخی نظرات را در این باره اشاره کرده است و حتی نام صاحبان ایده‌های پنجگانه که وی مدعی آن‌ها شده را نیز ذکر نکرده است. (جعفری، ۱۳۸۷). (۴۵۹-۴۵۷)

همچنین مرادی و ابراهیمی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل وجودی نفخ روح و توفی آن براساس رساله‌های انسان قبل از دنیا و در دنیا و بعد از دنیا علامه طباطبائی و نظریه وحدت تشکیکی وجود ملاصدرا»، نه تنها منحصرأ به دیدگاه ملاصدرا پرداخته، بلکه بر اساس یکی از دیدگاه‌های ابتدائی او که مبتنی بر جسمانیة الحدود بودن روح است، به مراحل سیر روحانی نفس پس از تولد پرداخته است. در حالی که ادعای مقاله پیش رو، این است که ملاصدرا از این نظر خود عدول کرده و اساساً روح را قدیم دانسته و برای آن مراحل در قوس نزول قائل شده است که یکی از آن‌ها، «نفخ» است. (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹). ص ۱۱۳۴-۱۱۴۶

ناگفته نماند که هر یک از مفسران قرآن با گرایش‌های فلسفی، کلامی یا عرفانی در آثار خود آنگاه که به آیات پیرامون نفخ روح رسیده‌اند، مطالبی را براساس منظومه فکری خویش بیان نموده‌اند اما آنچه در این نوشتار مورد توجه است، صرفاً بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا در این باره، آن هم در قوس نزول است.

۱. معنای نفخ روح در قوس نزول

با توجه به اینکه اهل لغت معنای لغوی «نفخ» را «دمیدن هوا در داخل یک جسم» می‌دانند که به وسیله دهان یا وسیله‌ای دیگر انجام می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۲۵۹)، برخی مفسران معنای لغوی «نفخ» در این آیات را، «دخول و حلول» روح در بدن تفسیر کرده‌اند. بنابراین باید حرف جازه «فی» در آیه (نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)، در معنای ظرفی آن بکار رفته باشد و در نتیجه، تفسیر این آیات چنین خواهد بود که خداوند، روحی را که جسم طبیعی اما لطیف است، در بدنی که آن نیز جسم طبیعی اما سخت، می‌دمد. ازاین‌رو هم ظرف (یعنی بدن) و هم مظروف (یعنی روح) هر دو مادی و جسمانی هستند و «نفخ» روح، به معنای «جعل، ورود و تجافی» روح در بدن خواهد

بود (شیخ طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۳۳۲؛ ج ۸، ص ۵۸۱؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۲۴؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۷). چه اینکه روایاتی نیز نزدیک به همین معنا در دست است (جمیری، ۱۴۱۳، ص ۷۹). برخی نیز نفخ را به «جریان داشتن و جاری شدن» معنا کرده اند و بر این باورند که روح در بدن جاری می شود (شیخ طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۳۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۳۴؛ شُبَر، ۱۴۱۲، ص ۲۶۳؛ محلی، ۱۴۱۶، ص ۲۶۶ و ۴۶۰). در مقابل ابن سینا و پیروانش روح را در بدو آفرینش، مجرد از ماده می دانند و لذا در معنای نفخ روح در آیات مذکور، دچار مشکل چندان نبوده و آن را به معنای مجازی «تعلق و ارتباط» معنا می کنند (شیخ الرئیس، ۱۴۰۰، ص ۱۸۵؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۵۹-۶۰).

اما ملاصدرا با توجه به اینکه در خصوص ماهیت روح انسانی، دو دیدگاه متفاوت دارد، در یکی تحت عنوان «جسمانیة الحدوث» که شهرت بسیار دارد، نفوس جزئی را هم حادث و هم جسمانی دانسته است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۴۵ و ۳۳۰-۳۳۱ و ۳۴۴ و ۳۸۴ و ۳۹۳؛ همو، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۲۳) و بر اساس نظر دوم، به قدیم و روحانی بودن نفوس جزئی در قوس نزول معتقد شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ص ۲۳۹؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۵ و ۲۳۲؛ همو، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۸۶)، از این رو کشف نظر دقیق او در خصوص ماهیت نفخ روح، برای اندیشمندان بسیار دشوار شده است؛ زیرا طبیعی است که بر اساس نظر اول، نفخ روح می تواند ماهیتی مادی بیابد، به خلاف نظر دوم. ملاصدرا بر این باور است که معنای نفخ در این قبیل آیات نمی تواند به معنای حقیقی آن باشد، بلکه باید گفته قرآن و روایات در این مسأله را، از باب تشبیه معقول به محسوس دانست (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۱۷)؛ زیرا خداوند سبحان منزّه از تنفس و جسم است و حال آنکه تنفس متعارف، مستلزم جسمانی بودن و احتیاج حضرت سبحان، به جسم و مکان است: «صورة النفخ مستحيل في حق الله، لأنه قیوم صمد لا جوف له» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۵۹).

تا آنجا که وی حتی در برخی آثار خود، چنین تصریح نموده است که آیات پیرامون نفخ روح، از جمله آیات دال بر تجرد روح است: «... و أما الإقناعیات الخطابیة في تجردها فهي أكثر من أن تحصى. أما الآيات فكثيرة، منها، قوله تعالى في حق آدم عليه السلام و أولاده: «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ

رُوحی» (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۳۰۲. همو، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۰۴؛ همو، ۱۴۲۲، ص ۲۴۹) و بدین شکل، نظریه دوم او مبنی بر تجرّد روح و نفس جزئی، در نزد وی رجحان پیدا کرده و نفخ نمی تواند به معنای دخول و حلول باشد. براین اساس ظاهر برخی آثار وی که بر «رابطه تجافی روح در بدن به هنگام تولد» و «خروج از آن هنگام مرگ» دلالت دارد (ملاصدرا، ۱۳۰۲، ص ۳۰۶)، باید حمل بر تسامح در عبارت شود یا اینکه باید این قبیل گفتارها را از متشابها کلامی وی دانست.

۲. حقیقی دانستن اضافه «روحی»

یکی دیگر از مبانی نظری ملاصدرا در این بحث که مبتنی بر وحدت سریانی وجود و بساطت آن می باشد، حقیقی دانستن اضافه «روحی»، «روحه» یا «روحنا» در آیات پیرامون نفخ روح در قوس نزول است، اما نه همانند پندار و انگاره اهل مجسمه که به اضافه «بعض و کل» و امثال آن اعتقاد دارند، بلکه وی با توجه به مبانی حکمت متعالیه، از اضافه اشراقی مدنظر خود پرده برمی دارد. وی بر این باور است که نفخ روح در این قبیل آیات، بیانگر رابطه تشکیک خاص الخاصی در نحوه ارتباط یافتن دو نشئه از نشأت انسان کبیر در سیر از وحدت به کثرت و هبوط و تجلّی صقع ربوبی از ساحت لاهوت به عالم جبروت و سپس به عالم ارواح و در نهایت، به عالم طبیعت و بدن است.

توضیح اینکه براساس مبانی هستی شناسی ملاصدرا، نه تنها هستی در قوس نزول، از ساحت های چهارگانه «لاهور»، «جبروت (عقل)»، «ملکوت (مثال و نفسی)» و «ملک (طبیعت)» برخوردار است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۲۷۷؛ همو، ۱۳۶۳، ص ۴۶۴)، بلکه این کثرات از وحدت «تکوینی - عینی» نیز برخوردار بوده (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۳۳۱-۳۳۲) و در واقع همه سه ساحت آخر، مراتب تجلّی سه گانه ذات و صفات و اسماء الهی هستند. وی بر اساس قاعده «بسیط الحقیقه کلّ الأشیاء» (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ب، ص ۴۶۴؛ همو، ۱۳۶۰، الف، ص ۵۱؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۱۰۰؛ همو، ۱۴۲۰، ص ۹۳)، به «ظهور المجمل مفصلاً» (لاهیجی، ۱۳۸۶، ص ۴۲۵) یا «ظهور اشرف در اُخس» (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۶۹؛ همو، بی تا، ص ۲۴) معتقد شده است و از این رو همه ساحت های

هستی را مندمج در ساحت لاهوت و الوهیت دانسته است که به حیثیت تقییدیه و تعلیلہ تجلی یافته‌اند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۲۶-۱۲۷). حقیقتی که خداوند در آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عَلَدْنَا خِزَائِيَهُ وَ مَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ؛ و هیچ چیز نیست مگر اینکه خزائن آن در نزد ماست، و جز به اندازه معلومی فرو نفرستیم.» (الحجر: ۲۱). از آن پرده برداشته و چنین می‌فهماند که هر موجودی در عالم طبیعت، این سیر از وحدت به کثرت را طی کرده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۲۶-۱۲۷). ملاصدرا معتقد است «سیر از وحدت به کثرت» یا همان «ظهور المجمل مفصلاً»، در همه موجودات مادی و از جمله در قوس نزول انسانی هم تحقق یافته است. او سیر از ساحت لاهوت تا عالم طبیعت در خصوص انسان را سیر «انسان کبیر» (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۸۱) یا «انسان لابشرط مقسمی» (حاشیه بر الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة، ج ۱، ص ۳۲۰) نام گذاری می‌کند و متناظر با چهار ساحت هستی، معتقد است سیر تجلی انسان، عبارت است از «انسان لاهوتی»، «انسان جبروتی یا عقلی»، «انسان ملکوتی یا نفسی» و «انسان ملکی یا طبیعی» (ملاصدرا، ۱۳۶۰ ب، ج ۲، ص ۷۱۴؛ سبزواری، حاشیه بر «الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة»، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ج ۸، ص ۱۳۴؛ ج ۹، ص ۷۱).

به عقیده ملاصدرا إضافة «روحي»، «روحه» یا «روحنا» به مرتبه تجلی دوم، یعنی تجلی حضرت حق به ساحت نفسی یا همان عالم مثال و ملکوت - که پس از عالم عقل (جبروت) است - ربط دارد. خداوند به وسیله این قبیل اضافه‌ها، می‌خواهد بفهماند که اولاً ارواح جزئی در عالم ملکوت تحقق دارند و نه در عالم ماده، و ثانیاً ارواح تنها و تنها به او و نه غیر او، موجودیت می‌یابند؛ آن هم به إضافة إشرافی و نه إضافة مقولی (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۰۷). ارواح در دومین تجلی صقع ربوبی یعنی تجلی در عالم مثال، در نموده‌های روحانی جزئی، ظهور یافته‌اند (ملاصدرا، ۱۳۶۰ ب، ج ۱، ص ۳۰۳ و ۳۰۸؛ ج ۲، ص ۶۶۰؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۲۹؛ همو، ۱۳۶۰ الف، ص ۱۲۴).

ملاصدرا مقصود از معنای نفخ روح در این آیات را، «إحياء»، «إفاضه»، «إنشاء» یا «إعطاء» روح دانسته است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۷۵؛ همو، ۱۳۰۲، ص ۳۰۶)، هر چند وی معتقد است

تفسیر «نفخ» به «إنشاء» دارای رجحان است: «و الأرجح عندي ان النفخ هاهنا عبارة عن مجرد إنشاء الأرواح...، فيكون في الكلام استعارة مصرحة او مكنية او تمثيلية، كل منها باعتبار.» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۵۹) و خداوند در آیه (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) چنین فرموده است که پس از اینکه نطفه انسانی، سیر استکمال طبیعی خویش را سپری کرد و به حد استواء و اعتدال رسید و مستحق نفس تدبیر کننده بدن طبیعی شد، خداوند نفوس جزئی انسانی را برای هر بدنی افاضه می کند (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۵۱۴).

روشن است این تعابیر از وی با نظر مشهورش در خصوص حدوث جسمانی نفس سازگار نیست و از آنجا که این تعابیر، متأخر از تعابیر وی مبنی بر حدوث جسمانی نفس در بدو پیدایش است، چنین فهمیده می شود که از دیدگاه نخست خود عدول کرده است و تلاش کرده تا ادعاهای خویش را مطابق با ظواهر آیات، روایات معتبر و عرفان راستین، قرار دهد و از این جمله است مسأله نفخ روح در قوس.

وی از سویی به افاضه روح الهی (یا همان انسان نفسی) به بدن (یا همان انسان طبیعی) معتقد است و از سوی دیگر، بر این باور است که تا بدن قابلیت این افاضه را نیابد و به حالت استواء و تعادل نرسید، نفوس جزئی که پیش از این در عالم ملکوت تجلی یافته بودند، با ابدان طبیعی تعلق و ارتباط نمی گیرند (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۶۷). اما وی باید پرسش دیگری را هم پاسخ دهد و آن اینکه نحوه ارتباط نفوس جزئی با ابدان طبیعی چگونه است؟

۳. ارتباط تعلقی - تدبیری نفوس جزئی با ابدان

بر اساس حکمت متعالیه به ویژه تمایز ساحت های بدن از حیث تجرد و مادی بودن، ارتباط بین انسانی نفسی (نفوس جزئی) و انسان طبیعی (ابدان شخصی و خاص) در قوس نزول، از نوع ارتباط «تعلقی - تدبیری» است. ملاصدرا بر این باور است که هدف از تعلق نفس جزئی به بدن شخصی، این است که نفس جزئی که همواره در عالم ملکوت سکونت دارد، با در اختیار گرفتن بدن شخصی

از همان عالم ملکوت، برخی از کمالات خود را که متوقف بر استخدام اندام حسی است، کسب و تحصیل کند (ملاصدرا، ۱۳۰۲ق، ص ۳۳۸). چه اینکه ابن سینا نیز پیش از وی ترابط روح با بدن را «اشتغالی» (شیخ الرئيس، ۱۴۰۴، ص ۲۰۷ و ۴۳۰؛ همو، ۱۳۷۹، ص ۳۸۷؛ همو، ۱۹۵۳، ج ۲، ص ۱۳۸ و ۱۵۲؛ همو، ۲۰۰۷، ص ۱۰۶) و «تدبیری» (شیخ الرئيس، ۱۹۵۳، ج ۲، ص ۱۵۲؛ همو، ۱۴۰۴، ص ۴۳۰) دانسته بود.

علامه طباطبایی به عنوان یکی از پیروان و مفسران حکمت متعالیه صدرایی، همانند وی در تبیین این مطلب، چنین آورده است که هر چند معنای لغوی نفخ، دمیدن هوا در داخل جسم است، اما گاهی این واژه به طور کنایه‌ای در معنای «تأثیر گذاشتن در چیزی» یا «القاء امر غیر محسوسی در چیزی» استعمال می‌شود. در آیه شریفه (وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)، مقصود از نفخ، ارتباط دادن و برقرار کردن رابطه میان بدن و روح است، نه معنای لغوی آن. در واقع قرآن معتقد است روح، امر وجودی است که فی نفسه يك نوع اتحاد با بدن دارد و آن این است که متعلق به بدن است و در عین حال، يك نوع استقلال هم از بدن دارد به طوری که هر وقت تعلقش از بدن قطع شد از او جدا می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۵۴).

گاه ملاصدرا برای تقریب به ذهن، از رابطه تدبیری بین نفوس جزئی و بدن، به رابطه «باد با کشتی بادبانی» بهره می‌جوید. به عقیده وی همانگونه که تدبیر کشتی بادبانی در دریا، مرهون وزش باد است و تا بادی در کار نباشد، حرکتی هم برای کشتی نخواهد بود، نفس با قوای آن هم اگر نباشد، نه تنها حرکتی برای بدن نخواهد بود بلکه دیدن، شنیدن، لمس کردن و ... نیز برای بدن معنا نخواهد داشت. این قوای نفسانی هستند که ابزار مادی را استخدام کرده و بدین شکل، نفس را به استکمالات روحی متعلق به ماده می‌رسانند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۵۴-۵۵). شاید بتوان مدعی شد مقصود امام باقر و امام صادق علیهما السلام از تشبیه روح به باد در روایتی که گذشت، همان وجه شبهی باشد که ملاصدرا در تمثیل خود آورده است. هر چند که این تمثیل هم، ناسازگاری‌هایی با دیدگاه اصلی ملاصدرا در رابطه با ترابط نفس و بدن دارد. از جمله اینکه وی نه تنها روح و بدن را

دو شأن از شئون انسان کبیر می‌داند، بلکه معتقد به رابطه تکوینی - عینی بین آن دو است. در حالی که در تمثیل کشتی و باد، دوئیت و جداانگاری و استقلال وجودی، هویدا است. یا اینکه کشتی و باد هر دو مادی هستند و حال آنکه ملاصدرا در نظر نهایی خود، چنین اعلام می‌کند که اعتقاد به «مجرد» و «قدیم» بودن ارواح جزئی، عقیده «ضروری شیعه و انکارناپذیر» است (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ص ۲۳۹). روشن است که همانگونه که پیش از این هم تصریح شد، «جسمانی یا روحانی» دانستن نفس و نیز «قدیم یا حادث» دانستن آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در خصوص تعیین ماهیت نفخ روح در قوس نزول دارد و ملاصدرا با فرض عدول از نظر نخست خود - یعنی «جسمانیة الحدوث» دانستن روح - و اعتقاد به «قدیم و مجرد» بودن آن، قطعاً باید از اعتقاد به «صورت بودن نفس برای بدن» و نیز حرکت جوهری نفس در بدن مادی، عدول کند و این کار را هم در نهایت کرده است.

۴. تعدد نفخ در قوس نزول

یکی دیگر از مسائل پیرامون نفخ روح، این است که بنابر آیات و روایات، در قوس صعود دو نوع نفخ روح صورت می‌گیرد. توضیح اینکه تردیدی نیست که برخی از اندام بدن مادی، تحت تدبیر نفس هستند و نفس بر عملکرد آن‌ها ولایت تکوینی دارد. برای نمونه، چشم آنچه را می‌بیند که نفس می‌خواهد و حتی اگر نفس نخواهد، چشم باز هیچ چیز را نمی‌بیند. یا دست در حرکات کلی روزمره خود، مطیع نفس است و بدون تدبیر او، حرکت یا سکون ندارد. اما آیا نفس آگاهی محیطی برای تدبیر عملکرد همه بخش‌ها و اجزاء بدن مانند کلیه، قلب، موی‌رگ‌ها را دارد؟ نفسی که چشم و دست و پا را به حرکت وامیدارد نه تنها هیچ اطلاعی از عملکرد کلیه، قلب، کبد و امثال آن ندارد بلکه حتی از فرایندهای لحظه به لحظه سلول‌های دست، پا و چشم نیز بی‌خبر است. حال این پرسش پیش می‌آید که اگر نفخ روح، چیزی جز تدبیر ارواح جزئی برای بدن نیست، پس تدبیر و نیز حیات اندام دیگر و بلکه اجزاء سلولی و نیز عملکرد آن‌ها به دست کیست؟

ملاصدرا در پاسخ به این پرسش از دو نفخ در قوس نزول پرده برمی‌دارد و معتقد است آیات پنجگانه پیرامون نفخ روح، به نفخ دوم اشاره دارند و در خصوص نفخ اول ساکت هستند و گفتمان از نفخ نخست، بر عهده روایات بوده است. توضیح اینکه از بررسی روایات معتبر شیعی چنین فهمیده می‌شود که هر انسانی در طول حیات دنیوی، از دو روح برخوردار می‌گردد: «روح الحیاة» و «روح العقل». روح دوم، همان روحی است که آیات پیرامون نفخ روح به آن اشاره داشته و همانگونه که از نام آن هم هویدا است، در طول زمان تعلق به بدن، به تدبیر بدن هم به طور کلی می‌پردازد. اما این روح به جزئیات بدن اشراف و إحاطة علمی ندارد. آن روحی که معمولاً گفته می‌شود از چهار ماهگی، وجودش برای بشر قابل درک است و تا پایان عمر با عقل عملی و عقل نظری، تدبیر امور زندگی بشر و کسب معارف عالییه می‌کند، «روح العقل» است (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف، ص ۱۳۱). اما حیات طبیعی و تدبیر بقاء اندام درونی و کنش‌ها و واکنش‌های سلولی و درون‌عضوی، با روح نخست یعنی «روح الحیات» یا «روح الحيوان» است و جنین پیش از چهارماهگی با آن روح، تحول می‌یابد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۷).

ملاصدرا معتقد است دو آیه (ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ) (المؤمنون: ۱۴) و آیه (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (الحجر: ۲۹) از ترابط دو روح و نفس جزئی «روح الحيوان» و «روح عقل» با بدن شخصی پرده برمی‌دارد. فراز نخست به نفخ «روح حیوان» و فراز (نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) به نفخ «روح عقل» اشاره می‌کند (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۵۳) و بر اساس تفسیر خود از این آیات، نفخ نخست را «نفخ مُلْکِی» و نفخ دوم را، «نفخ الهی» نام می‌گذارد (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۵۳؛ همو، ۱۳۰۲، ص ۳۳۸؛ همو، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۸۶ و ۵۸).

ملاصدرا به تبع برخی روایات، چنین ابراز داشته که هر چند نفاخ ارواح برای انسان‌ها، در اصل خداوند است اما خداوند این امر را به واسطه برخی فرشتگان انجام می‌دهد (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۷ و ۳۳۱؛ ج ۲، ص ۲۸۶).

کاین همه آوازاها از شه بود گر چه از حلقوم عبد الله بود

(ملاصدرا، ۱۳۶۰ ب، ج ۲، ص ۷۵۹)

اما نَفَاح روح مُلکی (روح الحیاة) با نَفَاح روح الهی (روح العقل) یکی نیستند. نفخ و افاضة روح الحیاة به «إسرافیل» سپرده شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۹۵؛ ج ۲، ص ۲۴۶) و نفخ روح العقل را «جبرائیل» بر عهده دارد (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۴ و ۴۰۵؛ همو، ۱۳۰۲، ص ۲۰۳؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۸۳).

هر چند مسأله برخورداری انسان از دو روح حیوان (حیات) و «روح عقل» و نیز نَفَاح آن‌ها، مؤیدات فراوان روائی دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۷؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ شعیری، بی‌تا، ص ۱۷۱) اما اینکه از آیات پیرامون نفخ بتوان به این دو روح رسید - آن گونه که ملاصدرا مدعی است - مورد تأیید هیچ روایتی نیست و باید آن را صرفاً ادعای ملاصدرا شمرد.

وی حیات واقعی و طینت اصلی انسان را همان «نفس ناطقة» او می‌داند و معتقد است حیات این بُعد و طینت انسانی و تحقق فردی هر انسان، با نفخ روح الهی سرانجام می‌یابد.

«و أما حصّة طینته التي ینشأ منها النفس النطقي فهي التي تكون حیاتها بنفخه تعالی روحه فیها، لقوله: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾.» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۸۶)

ملاصدرا معتقد است انسان در حیات دنیوی، دوبار متولد می‌شود:

۱. ولادت صوری: بار اول با حیات فیزیولوژیکی و به برکت نفخ و افاضة «روح الحیاة».

۲. ولادت معنوی: بار دوم و به برکت نفخ و افاضة نفس ناطقه یا همان «روح العقل».

البته ولادت دوم است که ولادت اصلی شمرده می‌شود و در پرتو آن، انسان دارای حیات معنوی شده و برای انسان، متابعت آداب شرعی و حرمت یافتن نوامیس الهیه و کسب علوم و اخلاق و ملکات نیکو و خیرات و نیز تعدیل قوای نفس آدمی و ... حاصل می‌گردد. این دو ولادت همان است که آیه: (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (الحجر: ۲۵) بدان اشاره کرده است (ملاصدرا، بی‌تا، ص ۵۳).

از میان این دو نفخ، نفخ دوم یعنی «نفخ الهی» است که می‌تواند انسان را مستحق خضوع و سجده ملانکه و تسخیر در عالم صغیر (دنیا) کند و نه نفخ مُلکی (همان)؛ مشروط به اینکه نفس جزئی انسان بتواند در ترابط با انسان طبیعی (بدن)، چشم دل به ماوراء عالم ماده باز کند و همچون آدم علیه‌السلام، تجلیات حضرت حق در مراتب هستی را شهود کند و با صفاء و نورانیة روح خود که برآمده از شهود تجلیات الهی است، خویشتن را مستحق سجده ملانک گرداند؛ چرا که قلب آدم علیه‌السلام، کعبه حقایق نهان هستی شده بود (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۲۲۰-۲۲۱).

۵. عدم اختصاص نفخ روح به انسان

از برخی آثار ملاصدرا چنین بر می‌آید که نفخ روح، اختصاص به انسان ندارد (ملاصدرا، ۱۳۶۰ ب: ج ۲: ۶۳۶) حتی اگر دلیل مستقل نقلی هم مبنی بر اضافه روح آن‌ها و همه ارواح در عالم ملکوت به «خداوند» در دست نباشد:

«فَنَفَخَ الرُّوحَ فِي صُورِ الْعَالَمِ فَظَهَرَتْ الْأَرْوَاحُ مُمَيَّزَةً بِصُورِهَا فَقِيلَ هَذَا زَيْدٌ وَ هَذَا عَمْرٌ وَ هَذَا فَرَسٌ وَ هَذَا فِيلٌ وَ هَذِهِ حَيَّةٌ.» (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۵۲)

وی معتقد است که همه موجودات مادی و حتی زمین، دارای نشأت متعدد بوده و در عالم مافوق ماده، دارای نشئه نفسانی و نشئه عقلی هستند:

«الإشراق العاشر في تعدد النشئات لكل شيء: ما من شيء في هذا العالم إلا وله نفس في عالم آخر و عقل في عالم ثالث حتى الأرض الكثيفة التي هي أبعد الأجسام عن قبول الفيض فإنها ذات حياة و ذات كلمة فعالة و في هذا شواهد إلهية و دلائل نبوية.» (ملاصدرا، ۱۳۶۰ ب: ج ۱، ص ۱۴۹).

ازاین‌رو است که وی نه تنها حیوانات را هم دارای روح دانسته است، بلکه معتقد است روح آن‌ها همانند روح انسان، با نفخ همراه بوده است. چه اینکه از برخی روایات نیز می‌توان مفاهیمی نزدیک به این ادعا را درک کرد. برای نمونه أبو بصیر از امام معصوم علیه‌السلام در خصوص حقیقت روح در آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» پرسید و آن حضرت در پاسخ فرمود:

«الَّتِي فِي الدَّوَابِّ وَالنَّاسِ قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَتْ هِيَ مِنَ الْمَلَكُوتِ مِنَ الْفُؤَادَةِ؛ مقصود از روح، روح در حیوانات و انسان‌ها است که به قدرت الهی از عالم ملکوت نشأت گرفته است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۱۷).

۶. نقاط اشتراک و افتراق نفخ روح در دو قوس نزول و صعود

ملاصدرا نفخ در قوس نزول و نفخ در قوس صعود را از چند حیث مشابه یکدیگر و از یک حیث، متفاوت با هم می‌داند. برخی از این موارد عبارتند از:

نقاط اشتراک:

۱. واسطه‌گری فرشتگان: نفخ ارواح در هر دو قوس، به واسطه فرشتگان صورت می‌گیرد.
 ۲. شمول برای همه انسان‌ها: نفخ روح در هر دو قوس، برای همه انسان‌ها است.
 ۳. ذو نفخین بودن هر دو قوس: وی معتقد است همانگونه که در قوس نزول، هر انسانی دارای دو نفخ - نفخ روح حیات و نفخ روح عقل - است در قوس صعود هم بر اساس آیات و روایات، ارواح دارای دو نفخ هستند.
 ۴. چه اینکه معتقد است نفخ روح الحیاة همانند دو نفخ در قوس صعود، توسط اسرافیل اتفاق می‌افتد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۷۶؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۶۷).
- نقاط افتراق:

۱. تفاوت در استمرار و عدم آن: ملاصدرا معتقد است نفخ ارواح در قوس نزول، به صورت «تفصیلی» (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۲۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۹۸)، «تدریجی» و «مستمر» است و نفوس جزئی، به تناسب استواء بدن، با خلق تفصیلی، تدریجی و مستمر آبدان، به بدن‌ها تعلق می‌گیرند اما در قوس صعود (آخرت)، نفخ به صورت «دفعی»، «بالجمله» و «غیرمستمر» بوده و همه نفس در آن واحد مورد نفخ صور اول و سپس دوم قرار می‌گیرند (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۴۱۶-۴۱۷؛ همو، ۱۳۶۰ الف، ص ۸۶-۸۷؛ همو، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۶۳).

از آنجا که خداوند، قیوم است و همهٔ ساحت‌های هستی، بقای خود را از ذات او دارند، پس ارواح که تجلیات دیگری از خداوند هستند و در تدبیر و ربوبیت الهی، نحوه تجلی آن‌ها، باید با نفخ باشد و نیز از سوی دیگر، نفخ نزولی به وسعت تاریخ بشریت و نیز موجودات دارای روح است، پس نفخ روح باید امری تفصیلی، تدریجی و مستمر باشد. از این رو مقصود از (تَفَخُّتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) این نیست که خداوند فقط برای آدم علیه‌السلام نفخ روح کرده است و بس، بلکه مقصود بیان نفخ استمراری خداوند است و این شیوهٔ گفتاری قرآن است که گاه افعال استمراری را در قالب فعل ماضی بیان می‌کند. برای نمونه آفرینش زمین و آسمان‌ها و نیز ادارهٔ آن که در قرآن (البقرة: ۲۹) بدان اشاره شده است، قطعاً کاری مستمر است.

۲. تفاوت در هدف: ملاصدرا معتقد است هدف خداوند سبحان از نفخ روح الهی، چیزی جز «تکمیل هبوط انسان کبیر در قوس نزول» نیست (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۷۶). گویی به عقیدهٔ وی، انسان در قوس نزول دو سیر دارد: «سیر تتمیمی» و «سیر تکمیلی»: «سیر تتمیمی» سیر انسان کبیر از وحدت به کثرت بوده و جنبهٔ هستی‌شناختی داشته و سیری عام است و هر موجود امکانی ناسوتی، به نوبهٔ خود چنین سیری را بالاجبار طی کرده است و به صرف تجلی بدن به پایان می‌رسد و انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست و لذا وی سیر از وحدت به کثرت در انسان را با عنوان سیر «انسان کبیر» یاد می‌کند که از «انسان لاهوتی» شروع شده، پس از طی «انسان عقلی» و «انسان نفسی» به «انسان طبیعی» فرجام می‌یابد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۳۲؛ سبزواری، حاشیه بر الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، ج ۸، ص ۱۳۴؛ ج ۹، ص ۷۱).

اما «سیر تکمیلی» انسان، جنبهٔ معرفت‌شناختی دارد و و هر چند پیش از تولد آغاز شده اما با برقرار ترابط تعلقی میان دو ساحت نفسی و طبیعی، رفع نقائص کرده و روح برخی از کمالات لائقه و وابسته به عالم ماده را کسب می‌کند.

در حالی که نفخ در قوس صعود، جنبه استکمالی برای انسان کبیر ندارد و بیش از هر چیز، شهود بواطن تجسد یافته اعمال و افکار و به طور کلی امور، در برزخ صعودی است و به نوعی جنبه معرفت - شناختی دارد.

حاصل آنکه هر چند از نظر هستی شناختی، آفرینش نفوس شخصی پیش از بدن است، اما خداوند در مسأله «نفخ» می خواهد به ترابط تدبیری و اشتغالی نفوس با ابدان اشاره کند. به بیان دیگر، هر چند نفوس شخصی، پیش از ابدان، تجلی می یابند، اما تا زمانی که بدن شخصی آفریده نشود، نفوس تدبیری در آن ها نخواهند داشت و کمالاتی که باید با همراهی بدن برای روح حاصل شوند، حاصل نخواهند شد. از این رو معلوم می شود که نفخ در این آیات به معنای آفرینش نیست و بعد تکوینی و هستی شناختی ندارد بلکه به معنای «آغاز زمان تدبیر نفوس جزئی در بدن های جزئی» است (ملاصدرا، ۱۳۰۲، ص ۳۳۸).

نتیجه نهایی

ملاصدرا استعمال واژه «نفخ» در آیات مربوط به نفخ روح در قوس نزول را، مجازی دانسته و معتقد است که معنای حقیقی آن مستلزم جسمانی بودن روح و نافخ خواهد بود و چنین امری بر اساس مستندات حتی درون دینی نمی تواند درست باشد. وی در نهایت معنای «نفخ» را در این آیات، همان «إنشاء تعلق تدبیری» میان دو ساحت «نفسی» و «طبیعی» از ساحت های انسان کبیر می داند و معتقد است پس از این که ارواح جزئی به کثرت عددی در عالم ملکوت تجلی یافت و نیز پس از اینکه ابدان طبیعی هر شخصی تعیین یافت، خداوند از مرحله إنشاء ارتباط و تعلق تدبیری ارواح به ابدان، مجازاً به «نفخ» یاد کرده است.

اما اضافه «روحي»، «روحه» یا «روحنا» بر اساس برخی مبانی حکمت متعالیه مانند «وحدت وجود و کثرت مظاهر» اضافه حقیقی است. یعنی بر اساس اینکه اولاً هستی در قوس نزول، دارای ساحت های چهارگانه است و ثانیاً رابطه ساحت ها با هم «تکوینی - عینی» است، همه مظاهر هستی

در کثرت طولی و عرضی، رابطه تشائی با صقع ربوبی و صفات و أسماء الهی دارند و «أرواح» که دومین تجلی ملکوتی و نفسانی ذات و صفات الهی پس از ساحت جبروت هستند، به إضافة إشراقی - مانند إضافة تصویر در آینه به صاحب آن تصویر - و نه مقولی - مانند إضافة علت به معلول - تجلی می‌یابند. از این رو إضافة «روح» به حضرت حق، حقیقی‌ترین نوع إضافة و از نوع إضافة خداوند یا رقائق خویش است.

همچنین وی با تفکیک نفخ أرواح در قوس نزول با نفخ أرواح در قوس صعود، به نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها توجه کرده و اساسی‌ترین تمایز آن‌ها را در هستی‌شناختی بودن نفخ در قوس نزول و معرفت‌شناختی بودن نفخ در قوس صعود دانسته است.

فهرست منابع:

۱. قرآن (۱۳۶۹ ش). ترجمه جلال الدین فارسی. تهران: انجام کتاب. اول.
۲. ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد ابن جوزی. (۱۴۲۲ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار الکتاب العربی. اول.
۳. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. تحقیق عبدالرزاق المهدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی. اول.
۴. جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۷ ش). تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی معنوی. تهران: انتشارات اسلامی و مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۵. حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳ ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. اول.
۶. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. (بی‌تا). بحر العلوم. بی‌نا.
۷. شُبّر، سید عبد الله. (۱۴۱۲). تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر. اول.

۸. شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حيدرية. اول.
۹. شیخ الرئيس، ابي علي حسين بن عبدالله بن سينا معروف به ابن سينا. (۱۳۸۳ ش). پنج رساله. با مقدمه و حواشی و تصحيح از دکتر احسان يارشاطر. همدان: دانشگاه بو علی سينا. دوم.
۱۰. شیخ الرئيس، ابي علي حسين بن عبدالله بن سينا معروف به ابن سينا. (۲۰۰۷ م). رسالة احوال النفس. مقدمه و تحقيق از فواد الاهواني (این کتاب به همراه ۳ رساله دیگر از ابن سينا چاپ شده است). پاریس: دار بيليون.
۱۱. شیخ الرئيس، ابي علي حسين بن عبدالله بن سينا معروف به ابن سينا. (۱۴۰۰ ق). رسائل ابن سينا. قم: انتشارات بيدار.
۱۲. شیخ الرئيس، ابي علي حسين بن عبدالله بن سينا معروف به ابن سينا. (۱۹۵۳ م)، رسائل ابن سينا. ۲. به اهتمام حلمی ضياء اولکن. استانبول: دانشکده ادبيات استانبول.
۱۳. شیخ الرئيس، ابي علي حسين بن عبدالله بن سينا معروف به ابن سينا. (۱۴۰۴ ق). الشفاء. تحقيق سعيد زايد و.... قم: کتابخانه آيت الله مرعشی.
۱۴. شیخ الرئيس، ابي علي حسين بن عبدالله بن سينا معروف به ابن سينا. (۱۳۷۹ ش). النجاة من الغرق في بحر الضلالات. مقدمه و تصحيح از محمد تقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران. دوم.
۱۵. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علي بن حسن. (بی تا). التبيان في تفسير القرآن. با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقيق احمد قصيرعاملی. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علي بن حسن. (۱۳۶۵ ش). تهذيب الأحكام. تهران: دار الكتب الاسلامية. چهارم.
۱۷. طباطبائی، محمد حسين. (۱۴۱۷ ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم. پنجم.

۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی سمرقندی کوفی. (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه.
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو. اول.
۲۰. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۶۵ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. لاهیجی، محمد جعفر بن محمد صادق. (۱۳۸۶ ش). شرح رسالة المشاعر. قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). اول.
۲۲. محلی، جلال الدین؛ سیوطی. جلال الدین. (۱۴۱۶ ق). تفسیر الجلالین. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات. اول.
۲۳. مرادی، حسن؛ ابراهیمی، راحله. (۱۳۹۹). «تحلیل وجودی نفخ روح و توفی آن براساس رساله‌های انسان قبل از دنیا و در دنیا و بعد از دنیا علامه طباطبائی و نظریه وحدت تشکیکی وجود ملاصدرا»، همایش ملی قرآن و روان‌شناسی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی قرآن و روان‌شناسی. ص ۱۱۳۴-۱۱۴۶.
۲۴. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ ش). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۹۸۱ م). الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۶. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۰ الف). أسرار الآيات و أنوار الیینات. مقدمه و تصحیح از محمد خواجوی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
۲۷. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۰ ب). الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية. تصحیح و تعلیق از سید جلال الدین آشتیانی. مشهد: مرکز الجامعی للنشر. دوم.

۲۸. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۱ ش). العرشية. تصحيح غلام حسين آهني. تهران: انتشارات مولى.
۲۹. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۸۷ ش). المظاهر الالهية فى اسرار العلوم الكمالية. مقدمه و تصحيح و تعليق از سيد محمد خامنه‌ای. تهران: بنیاد حکمت صدرا. اول.
۳۰. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (بی‌تا). إيقاظ النائمين. تحقيق و تصحيح محسن مؤیدی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. اول.
۳۱. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۴۲۰ ق). مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهين. تهران: حکمت. دوم.
۳۲. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۳ ش). مفاتيح الغیب. مقدمه و تصحيح از محمد خواجه‌ی. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی. اول.
۳۳. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۵۴ ش). المبدأ و المعاد. تصحيح سيد جلال الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۳۴. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۶ ش). تفسير القرآن الکریم. تحقيق محمد خواجه‌ی. قم: بیدار. دوم.
۳۵. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۴۲۲ ق). شرح الهداية الاثرية. تصحيح محمد مصطفى فولادکار. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی. اول.
۳۶. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۸۳ ش). شرح أصول الکافی. تحقيق و تصحيح محمد خواجه‌ی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. اول.
۳۷. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۰۲ ق). مجموعه الرسائل التسعة. قم: کتابخانه مصطفوی. اول.